

منازله و حق الله تبارک و تعالی
 غایت اولی شکت بهم غیره الهی
 میم آل میراث البقی اذ انبوا
 خطاییم فی الاعسار فی کل ضمه
 اذ انما تبارک الله فی صلواتنا
 اینه عدل یهدی بعبادهم
 فی کرب زد قلبی هدی و بعباده
 دیار رسول الله اصحی لکلف
 و آل رسول الله هدی و تقابهم
 و آل رسول الله هدی و نورهم
 و آل رسول الله نبی خیرهم
 و آل زیاد فی القصور و ضوئهم
 فی اوارق علم البقی و آلهم
 لقد امنت نفسی بکم فی حیواتنا
 و این قصیده در بعضی روایات پنجاه بیت زیادت و در
 آنجا ذکر قبور اهل بیت کرده است و چنین روایات است که در
 آن قصیده چون با این بیت رسید که و تبر بعباد و نفس زکینه
 تعتمتها الرعی فی العرفات رضای الله عنه فرمود که ای
 دلیل بدین موضع یعنی دیگر الحاقی کم که قصیده توانایی تمام شود

در بعضی روایات پنجاه بیت است
 در بعضی روایات پنجاه بیت است
 در بعضی روایات پنجاه بیت است
 در بعضی روایات پنجاه بیت است

کنت

کنت علی یا ابن رسول الله فرمود که و قبر بطوس بالها من مصیبه
 الخت علی الاحق و بالذوات و دلیل رسید که این قبر که
 خراب بود یا ابن رسول الله فرمود که قبر من زود بود که طوسی
 محل آمدن دستان و معجان اهل بیت شود هر که از زیارت
 کند درین غربت با من باشد در درجه من در روز قیامت آمرزیده
وازان جمله آنست که یکی از کوفیان گفته است که از کوفه
 بعینت خراسان بیرون آمدم و دختر من مکه بنزد داد که این را بعرض
 و برای من فیروزه بخر چون بپروریدم غلامان رضای الله عنه
 آمدند که یکی از خادمان وی فوت شده است مکه کرداری ما بعرض
 تا کنون وی سازیم مکه که هیچ حکم ندادم هر چند دیگر باره باز
 آمدند که مولای ما ترا سلامی رساند وی کوید که با تو هر گاه است
 که دختر تو بوده است که بعرض و فیروزه خدی ایک بهای
 آنرا آورده ایم حکم را بایشان دادیم و بعد از آن با خود رفتیم
 که از وی مشک چند بخریم به بینیم که چه جوابی دهد چند مشک
 بر جای نوشتیم و باعداد بدر خاندن وی رفتم از ازدحام مردان
 مجال آن نشد که و مرا به بینیم چه جای آن که بپرسم متوجه ایستاده
 بودم ناگاه غلامی بیرون آمد و نام من برد و نوشته بخیز داد
 که ای فلان این جواب مسأله آنست چون نگاه کردم جواب
 مسأله های من بود **وازان جمله آنست** که یکی از ثمالی تبارج

King Saud University
 Copyright © King Saud University